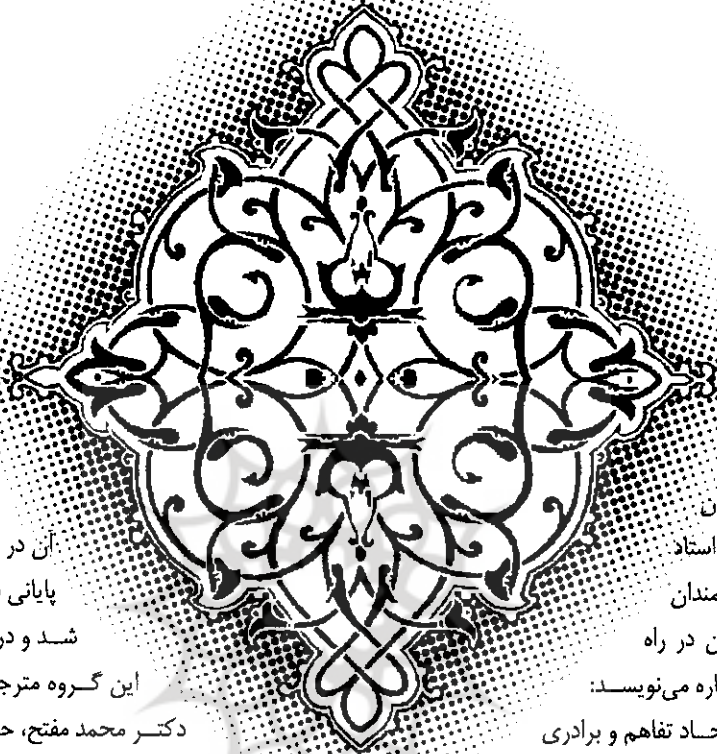


مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن اثر ابوعلی فضل بن حسن طبرسی (متوفی ۵۴۸ هـ ق)، عالم و مفسر بزرگ شیعی در قرن پنجم و ششم هجری، یکی از مهم‌ترین و مشهورترین تفاسیر متأثر شیعی به زبان عربی است که مورد توجه دانشمندان همه مذاهب اسلامی واقع شده است. سبک و شیوه تدوین و تبویب این تفسیر، در میان تفاسیر جهان اسلام بی‌نظیر است. مجمع‌البیان شامل مباحثی چون: قرائت، اعراب، لغات، بیان مشکلات، ذکر مطالبی در معانی و بیان، شأن نزول آیات، اخبار و روایات مربوط به آیات و شرح و تبیین قصص و حکایات و بیان ارتباط و تناسب آیات و سوره است و از این رو یک دائرةالمعارف قرآنی محسوب می‌شود. از امتیازات تفسیر مجمع‌البیان این است که مؤلف آن بدون هیچ‌گونه تعصب‌ورزی از منابع و تفاسیر شیعه و سنی بهره جسته است و هنگامی که به نقد دیدگاه‌های اهل سنت پرداخته، روشی عالمانه در پیش گرفته است. شاید از همین روست که مجمع دارالتقريب بين المذاهب الإسلامیه مصر که علمای همه فرق اسلامی جهان در آن شرکت داشتند، به اتفاق تصویب کرد که این تفسیر در اختیار عموم قرار گیرد که با مقدمه‌ای عالمانه از علامه حاج شیخ محمدتقی قمی، دبیرکل دارالتقريب، و مقدمه‌ای وزین به قلم عالم بزرگ شیخ محمود شلتوت، رئیس جامع الازهر، چاپ و در کشورهای اسلامی منتشر شد. شیخ شلتوت، مفتی بزرگ اهل سنت و دانشمند روشن‌بین مصر، در مقدمه خود بر این تفسیر نوشته است: «مجمع‌البیان در میان کتاب‌های تفسیری بی‌همتاست. این تفسیر با گستردگی، ژرفا و تنوع در مطالب و تقسیم و تبویب و ترتیب دارای ویژگی و امتیازی است که میان تفاسیر پیش از آن

نقد کتاب

رعایت امانت شرط اول ترجمه نقدی بر ترجمه تفسیر مجمع‌البیان

• علی اقبایی



بی نظیر و میان آثار پس از آن کم نظیر است.^۱ هم چنین استاد محمدتقی قمی - از اندیشمندان اصلاحگر و از تلاشگران در راه نزدیکی مذاهب - در این باره می نویسد:

«جماعت تقرب، برای ایجاد تفاهم و برادری اسلامی در میان امت و نزدیک شدن دل های شیعه

و سنی و مسلمانان شرق و غرب گیتی به یکدیگر، چاپ و نشر مجمع البیان را به عنوان غذای سالم فکری و قرآنی برای جهان اسلام برگزید و نویسنده این تفسیر را چهره منصف و آزادمندی شناخت که هنگام نگارش اثر خود، هیچ گاه از شاهراه ادب و بلندنظری قرآن منحرف نشده و به راه جدال گام نسپرده است.^۲ نیز هیأت مسئول آماده سازی این تفسیر^۳ برای چاپ که مرکز جهانی دارالتقرب افراد آن را از میان دانشمندان بزرگ و زبده مسلمان گلچین کرده بود، درخصوص آن نوشتند:

«تفسیر مجمع البیان به قلم علامه طبرسی، دائرة المعارف منظم و مرتبی است که تمامی فنون قرآن را در خود جمع کرده است و از امتیازات بی نظیر آن این است که دیدگاه های گوناگون در تفسیر آیات راه، از خاندان رسالت گرفته است.»^۴

متن عربی این تفسیر بارها چاپ و منتشر شده است.^۵ یکی از چاپ های خوب آن، چاپی است با تحقیق و پانوشتهای علامه ابوالحسن شعرانی که در تهران منتشر شده است.^۶ این تفسیر گران سنگ نخستین بار، به پیشنهاد و تصمیم مؤسسه انتشارات فراهانی، توسط گروهی از مترجمان در ۲۷ مجلد به فارسی برگردانده

شد که نخستین مجلد آن در ۱۳۴۹ ه. ش. و مجلد پایانی در ۱۳۵۹ ه. ش. منتشر شد و در اختیار عموم قرار گرفت.^۷ این گروه مترجمان، عبارتند از: شهید دکتر محمد مفتاح، حسین نوری، دکتر احمد بهشتی، سیدهاشم رسولی محلاتی، رضا ستوده، محمد رازی، علی کاظمی، علی صحت و دیگران.^۸ این ترجمه از هنگام انتشار به سبب همت، دقت و تتبع مترجمان، مورد توجه محافل علمی و عموم علاقه مندان قرار گرفت، ولی یکی از انتقاداتی که از همان آغاز مطرح شد، یکنواخت نبودن نثر آن از نظر نگارش بود. از این رو ناشر این ترجمه، پس از ۲۵ سال بر آن شد تا این مجموعه نفیس را با ترجمه، ویرایش و حروفچینی جدید منتشر کند تا پاسخ گوی نیاز جامعه امروز باشد. این مهم به علیرضا کرمی از محققان بخش تحقیقات دارالقرآن آیت الله العظمی گلپایگانی (ره) سپرده شد.^۹ مترجم در این تلاش مجدد، بر ترجمه دگرباره آیات از آغاز تا انجام، برگردان تفسیر و بازنگری و بازآفرینی آن با تغییر پاره ای از واژگان و ساختار جمله ها و نگارش روان تر و گویاتر به زبان روز همت گمارده است. وی ترتیب و نحوه کار تحقیقی خویش را چنین وصف کرده است:

«ترجمه آیات در عباراتی روان تر و گویاتر با افزودن واژه ها و گاه جمله های روشنگر در کروش؛ بازنگری متن و جایگزینی واژه های زیباتر و مناسب تر و بازسازی ساختار جمله ها و نگارش آنها با یک قلم؛ افزودن عناوینی مناسب و گویا با الهام از بحثها؛ آوردن متن

تفسیری مرحوم طبرسی آشنایی نداشته باشد، به هیچ روی متوجه نمی‌شود مباحثی از این تفسیر از قلم افتاده و حذف شده است. این بخش‌ها که در متن اصلی تقریباً در تفسیر تمامی سوره و آیات تکرار می‌شوند، عبارت‌اند از:

- القراءه (که در ترجمه قبلی قرائت آیات ترجمه شده) که مشتمل بر اختلاف قرائات آیات مورد بحث است.

- الحجة (یا دلیل آیات طبق ترجمه پیشین) که وجوه قرائات مذکور در القراءه از منابع متقدم یاد شده است.

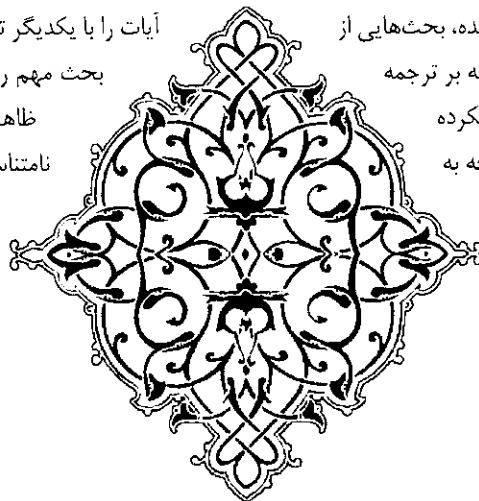
لازم به ذکر است که مرحوم طبرسی معمولاً از این دو بخش در تفسیر آیات نیز بهره گرفته و به آنها استناد کرده است.

- الاعراب (اعراب آیات در ترجمه قبلی) که مشکل اعراب آیات مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته و معمولاً چندین وجه اعرابی برای هر مورد ذکر شده است. این بخش نیز نقش مهمی در فهم تفسیری آیات خصوصاً در روش تفسیری طبرسی دارد. در واقع وجه ادبی تفسیر وی در این بخش نمایان شده است.

- اختلاف‌ها (اختلاف آن در ترجمه قبلی) که این قسمت در ابتدای هر سوره می‌آید و به اختلاف در شمارش آیات پرداخته است.

- علاوه بر موارد فوق که به‌طور کامل در ترجمه حذف شده، مواردی نیز در لابه‌لای متن نادیده گرفته شده و ترجمه نشده است. به عنوان مثال، نکاتی از بخش «اللغة» که در ترجمه جدید با عنوان «نگرشی بر واژه‌ها» آمده، ترجمه نشده است. نظیر: مثال‌ها و شواهد شعری که در بیان معنای لغوی یک واژه ذکر شده است.^{۱۱} همچنین در بعضی موارد بخش «النظم» که برای بیان تناسب آیات و سوره آمده، ترجمه نشده است.^{۱۲} لازم به ذکر است که مجمع‌البیان از نادر تفاسیر شیعی است که به علم مناسبات توجه کرده و در ذیل عنوان «النظم»، پیوند نامعلوم یا دیرپای آیات را با یکدیگر توضیح داده است که مترجم بی‌دلیل این بحث مهم را از ترجمه انداخته است.

ظاهراً مترجم، این بخش‌ها را زاید و نامتناسب با نیاز جامعه امروز تشخیص داده و در نتیجه آنها را حذف کرده است، بی‌آن‌که به این حذف‌ها اشاره کرده



روایات درس‌آموز و جالب و مراعات ظرافت‌ها و ریزه‌کاری‌های دیگری که موضوع هر بحث را روشن‌تر کرده است؛ استخراج مدارک و منابع روایات از دیرینه‌ترین و معتبرترین کتاب‌ها و اسناد شیعه و سنی که پیش از تفسیر مجمع‌البیان نوشته شده‌اند؛ نگارش نکاتی در آغاز هر سوره تحت عنوان «آشنایی با این سوره مبارکه» و نکاتی در پایان هر سوره تحت عنوان «پرتوی از سوره»؛ تنظیم مطالب هر فصل بدین صورت که از آغاز هر سوره تا پایان آن، هر بار ابتدا شماری از آیات که در نهایت به قدر یک پاراگراف است، قرار می‌گیرد؛ به دنبال آن، ترجمه همان آیات؛ سپس نگرش بر واژه‌ها؛ بعد از آن شأن نزول آیات؛ و آن‌گاه تفسیر آیات؛ و در پایان هر بحث گاه در محلی جداگانه تحت عنوان «پرتوی از آیات» نکات درس‌آموزی که چکیده پیام آن آیات است، به‌صورت فشرده به قلم نگارنده ترسیم می‌شود. با این بیان عناوین هر بحث یا هر بخش بدین صورت تنظیم می‌شود: ۱- آیات: ۲- ترجمه آیات؛ ۳- واژه‌ها؛ ۴- شأن نزول؛ ۵- تفسیر؛ ۶- پرتوی از آیات.^{۱۳} راقم این سطور نخستین بار با این اثر در هشتمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم به سال ۱۳۸۰ هـ. ش. آشنا شد که در آن سال برای اولین بار مجموعه کامل ترجمه تفسیر مجمع‌البیان عرضه شده بود و بنا به مناسبتی دو مجلد ۲۵-۲۶ و ۲۷-۲۸ (مطابق با اجزای ۲۵ تا ۲۸ قرآن کریم) را مطالعه کرده و پس از مطالعه و تطبیق آن با متن عربی تفسیر، برخی ایرادها و اشکالات اساسی در این کار به نظر رسید و حال فرصتی دست داد تا در قالب نوشتار حاضر عرضه شود.

۱. عدم رعایت امانت در ترجمه:

الف) مترجم محترم به سلیقه خود و شاید بنا بر آن چه در مقدمه ناشر نیاز جامعه امروز نامیده شده، بحث‌هایی از تفسیر را حذف کرده و در مقدمه‌ای که بر ترجمه نگاشته نیز هیچ اشاره‌ای به این کار نکرده است، به‌گونه‌ای که خواننده، چنان‌چه به متن عربی تفسیر یا ترجمه پیشین آن مراجعه نکند و از پیش با شیوه

علوم قرآنی استفاده شود و البته این مطلب به اطلاع خواننده نیز رسانده شود. در این صورت این ترجمه از آیات صرفاً برای آماده‌سازی ذهن مخاطبان برای فهم بهتر تفسیر آیات بوده و مستقل از نظرات و آرای تفسیری مفسر خواهد بود.

- نکاتی در آغاز هر سوره با عنوان «آشنایی با این سوره» آمده که در آن به موارد زیر پرداخته شده است: شماره سوره در ترتیب کنونی مصحف و ترتیب نزول؛ نام سوره و وجه تسمیه آن؛ زمان نزول که مترجم از آن تعبیر به «فرودگاه سوره» کرده و در آن به بحث مکی و مدنی بودن سوره پرداخته است. البته این بخش از تفسیر مجمع‌البیان اخذ شده است؛ شمار آیات، واژه‌ها و حروف سوره که تعداد آیات از «عدد آیه‌ها» در تفسیر گرفته شده و تعداد واژگان و حروف افزوده مترجم است؛ پاداش تلاوت سوره که عیناً همان بخش «فضلها» از تفسیر است؛ دورنمایی از مفاهیم سوره که به تشخیص مترجم نکات و مطالبی از سوره فهرست‌وار ذکر شده است.

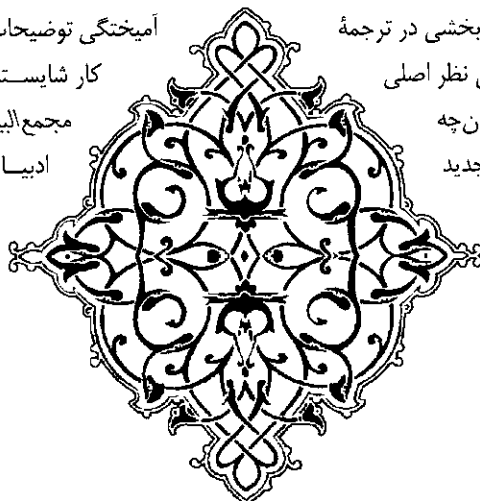
- اضافاتی در بخش «اللغة» (نگرشی بر واژه‌ها): با این که مترجم از مطالب مذکور در بخش اللغة در تفسیر مجمع‌البیان در ترجمه خود بهره جسته، ولی ساختار بیان آن را تغییر داده و علاوه بر حذف‌هایی که در آن انجام داده (که بیشتر بدان اشاره شد) برخی لغات که از نظر مترجم دشوار بوده به این بخش افزوده شده و توضیحاتی در معنای آن کلمات نیز آورده است و البته هیچ جا به منبع مطالب افزوده در این بخش اشاره نکرده است.^{۱۴} هم‌چنین هیچ تفکیکی بین لغات مذکور در تفسیر و لغات افزوده شده صورت نگرفته و خواننده نیز از این موضوع آگاه نشده است. علی‌رغم این که این کار فی‌نفسه امری درخور تحسین است و خصوصاً برای خوانندگان ناآشنا با زبان قرآن، راهگشاست، ولی آمیختگی توضیحات مفسر درباره لغات و افزوده‌های مترجم کار شایسته‌ای نیست. چه از جمله مزایای تفسیر مجمع‌البیان بحث‌های وافیه مرحوم طبرسی در ادبیات عرب اعم از لغت و اعراب است ولی درهم آمیختن نظرات مترجم با آرا و اقوال مفسر گرانقدر، به استواری و

باشد. این کار دو اشکال اساسی دارد: نخست آن که اشتهار تفسیر مجمع‌البیان به جامعیت آن در علوم قرآنی است و از این رو طبرسی به درستی آن را «مجمع البیان لعلوم القرآن» نام نهاده است^{۱۵} و این‌گونه حذف‌ها، به جامعیت این تفسیر که از میراث شیعی به جای مانده، آسیب جدی وارد می‌کند و در ذهن خواننده ناآشنا تصویری نادرست از آن شکل می‌گیرد؛ دیگر آن که رسم امانت در ترجمه آن است که مترجم تا جایی که ممکن است در اصل تغییری ایجاد نکند و آن‌جا که ناگزیر از تغییر و اصلاح و دست بردن در متن اصلی است، خواننده را از این تغییرات مطلع سازد تا چنان‌چه خواست با مراجعه به متن اصلی به مقصود و سخن نویسنده دست یابد. اگر بنا باشد هر کس بنا به سلیقه شخصی خود در کار دیگران دست برد و آن را بر اساس نظرات خود اصلاح کند، غث و سمین به هم آمیخته و تشخیص صحیح و سقیم دشوار خواهد شد.

ب) مترجم به حذف زوائد تفسیر (بنا به تشخیص خود) بسنده نکرده و در ترجمه موارد زیادی بر آن افزوده است. البته بخشی از این افزوده‌ها در مقدمه مترجم اجمالاً یا به تصریح اشاره شده است که عبارتند از:

- ترجمه آیات: البته این بخش در ترجمه قبلی نیز وجود داشته و مترجم به اصلاح عبارات و واژگان پرداخته و در مواردی جملاتی روشنگر در میان گروه بر ترجمه افزوده است. از اشکالات عمده در این بخش، دخل نظر تفسیری خاص مترجم در ترجمه است. به عبارت دیگر مترجم بنا به نظریه تفسیری مقبول نزد خود، ترجمه آیات را نگاشته و این درحالی است که در بعضی موارد این رأی، نظر مرجوح مفسر بوده و با «قیل» آمده یا اصلاً در آرای تفسیری او نیست. ولی با وجود این بخش، این‌گونه به خواننده القا می‌شود که این نظر، رأی اصلی مفسر بوده یا بر آن تأکید داشته است. به نظر می‌رسد با فرض لزوم چنین بخشی در ترجمه

تفسیر، لازم است ترجمه آیات براساس نظر اصلی و رأی مقبول مفسر صورت پذیرد و چنان‌چه این امر مقدور نیست، به جای ترجمه جدید آیات، از یکی از ترجمه‌های شناخته شده و مقبول در عرف کارشناسان



از جانب خود بر آن بیفزاید، بی آنکه خواننده را از این تغییرات آگاه کند. به علاوه در اکثر موارد، مرجع افزوده‌ها نیز ذکر نشده و چنانچه خواننده هم چون نگارنده با دقت در متن اصلی و مقایسه با ترجمه یا به دلیل شناخت قبلی خود از تفسیر به اضافات در ترجمه پی برد، تمامی مطالب را برآمده از نظرات شخصی مترجم بدون استناد به منبعی معتبر و قابل اعتماد تلقی خواهد کرد. باری، چنین کاری شایسته یک محقق نیست که این طور بی‌مهابا در تفسیری ارزشمند و میراث گران‌بهای شیعی دست برد و به بهانه ترجمه و امروزی کردن نگارش آن، آرا و نظرات شخصی خویش را در پوشش نام عالمی جلیل‌القدر نظیر علامه طبرسی طرح کند.

۲. امروزی کردن نگارش ترجمه!

ترجمه پیشین این اثر، علی‌رغم آن که به دست فضلا و دانشمندانی چون مرحوم دکتر محمد مفتاح و سیدهاشم رسولی محلاتی صورت پذیرفته، ترجمه روان و شیوایی نیست. گویا مترجمان بیش از آن که به شیوایی و روانی آن توجه کنند، به ترجمه لفظ به لفظ و پایبندی به متن اصلی تفسیر اصرار داشته‌اند و این اصرار در سراسر ترجمه ایشان هویداست. به علاوه، ویراستاری در کار نبوده که این ترجمه‌ها را یک‌دست سازد. البته راقم این سطور، هرگز قصد ندارد از ارزش و اهمیت کار سترگ ایشان آن هم در سال‌های دهه پنجاه که جامعه فارسی‌زبان به ترجمه فارسی این متون دسترسی نداشت، بکاهد؛ بلکه صرفاً بر آن است تا بر دغدغه‌های ناشر و مترجم درباره ویرایش و حروفچینی مجدد آن تأکید کند. ولی سؤالی که با خواندن ترجمه جدید و مقایسه با ترجمه پیشین به ذهن متبادر می‌شود آن است که ویرایش مجدد و نگارش امروزی در این ترجمه چه معنایی دارد.

به نظر می‌رسد مترجم مراد از ویرایش را به درستی درنیافته و نگارش امروزی را بازی با کلمات و سخن‌پردازی‌های طولانی و خسته کننده فرض کرده است. حال آن که ممکن بود با توان و وقتی که مترجم صرف چنین امری کرده و یا حتی کمتر از آن، ترجمه

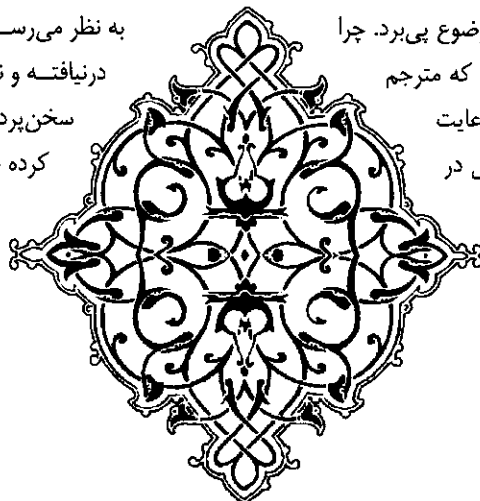
متانت کار مفسر لطمه می‌زند و اعتبار آن کاهش می‌یابد. به ویژه روشن نیست که مترجم از چه منبع یا منابعی برای شرح لغات مشکل استفاده کرده و آیا این منابع با منابعی که مفسر بدان‌ها استناد جسته هم ارز است یا خیر.

- اضافاتی در تفسیر آیات: عمل مترجم در ترجمه بخش «المعنی» (تفسیر آیات) بسیار عجیب است و وی در اغلب موارد ابتدا ترجمه‌ای اجمالی از آیه را تکرار کرده و در ادامه نیز به مطالب تفسیری مؤلف بسنده نکرده، بلکه توضیحات زانندی از جانب خود بر آن افزوده است. هم‌چنین در ترجمه کلمات و عبارات از عطف کلمات مترادف و هم‌معنا بسیار استفاده کرده است. بدین جهت این بخش بسیار طولانی و حجیم‌تر از متن اصلی و در نتیجه خسته‌کننده شده است. تمام این بسط و تفصیل‌ها و حشوهای زاید در حالی است که گاه بخشی از توضیحات تفسیری طبرسی ذیل آیات نادیده انگاشته شده و ترجمه نشده است.^{۱۵}

- نکاتی در پایان هر بخش یا مجموعه آیات با عنوان «پرتوی از آیات» و در پایان هر سوره ذیل «پرتوی از سوره»، نکات درس‌آموز و چکیده پیام آن آیات یا سوره از نگاه مترجم در آنها ذکر شده است. البته خوشبختانه مترجم در مقدمه خود به افزودن این بخش، تصریح کرده است.

آن چه در این جا باید بر آن تأکید شود عدم امانتداری مترجم و پایبند نبودن وی به متن اصلی تفسیر است، بی آن که به دخل و تصرف‌های روی داده اشاره‌ای شده باشد. حداقل آسیب این عمل، آن است که خواننده هر آن چه مطالعه کرده به حساب مؤلف خواهد گذاشت و با خود چنین خواهد اندیشید که تمامی مطالب فوق عیناً ترجمه عبارات تفسیر مجمع‌البیان است. بدیهی است که در این جا نباید از خواننده انتظار داشت که با مراجعه به متن عربی

تفسیر و تطبیق آن با ترجمه به این موضوع پی برد. چرا که پیش‌فرض خواننده همواره این است که مترجم امانت را که شرط اول ترجمه است، رعایت کرده است. روا نیست که مترجم بی‌دلیل در متن مؤلف دست برده، ساختار و چینش مطالب را تغییر دهد و مطالبی را



مترجم فارغ از دغدغه‌های مترجمان در ترجمه عالمانه قبلی که کاملاً مقید به متن عربی تفسیر بوده است به بازنویسی مجدد آن پرداخته و در مواردی اصلاً به متن عربی توجه نشده بلکه در عوض توضیحات مفصلی از مترجم جایگزین شده است، تا جایی که به خستگی خواننده می‌انجامد. حتی در برخی موارد چیزی جز خطابه‌ای آتشین از مترجم (و نه از مؤلف تفسیر) باقی نمانده و چه بسا نقطه نظر تفسیری علامه طبرسی مغفول مانده است. جالب‌تر این است که در شناسنامه کتاب، نام ویراستار این ترجمه نیز به چشم می‌خورد، ولی رد پای او در اثر ناپیداست. روشن نیست او چه وظیفه‌ای داشته و آیا یک صفحه از این ترجمه را با ترجمه پیشین یا متن عربی مقایسه کرده است؟ آیا او با علم به این کاستی‌ها و اشکالات بر آن صحنه گذاشته است؟

۳- ارجاعات و منابع متأخر:

برخلاف آن چه مترجم مدعی شده است که «مدارک و منابع روایات تفسیری را از دیرینه‌ترین و معتبرترین کتاب‌ها و اسناد شیعه و سنی که بیش از تفسیر مجمع‌البیان نوشته شده، استخراج کرده است» با نگاهی گذرا به کل ترجمه و پاورقی‌های آن می‌توان به عکس این موضوع پی برد. در ذیل به عنوان نمونه منابع پرتکرار که مترجم به آنها ارجاع داده و تعداد دفعات تکرار آنها در مجلد ۲۷-۲۸ ذکر می‌شود:

منابع شیعی:

- نور الثقلین، شیخ عبدعلی هویزی (متوفی ۱۱۱۲ ق): ۱۰۷ مرتبه؛ - ثواب الاعمال، شیخ صدوق (متوفی ۳۸۱ ق): ۱۴ مرتبه؛ - بحار الأنوار، علامه مجلسی (متوفی ۱۱۱۱ ق): ۱۳ مرتبه؛ - تفسیر القمی، علی بن ابراهیم قمی (متوفی ۳۰۷ ق): ۱۱ مرتبه؛ - تفسیر البرهان، سیدهاشم بحرانی (متوفی ۱۱۰۷ ق): ۷ مرتبه.

منابع سنی:

- تفسیر قرطبی (الجامع الاحکام القرآن)، ابو عبدالله قرطبی (متوفی ۶۷۱ ق): ۶۸ مرتبه؛ - الدر المنثور، جمال‌الدین سیوطی (متوفی ۹۱۱ ق): ۱۹ مرتبه؛ - تفسیر

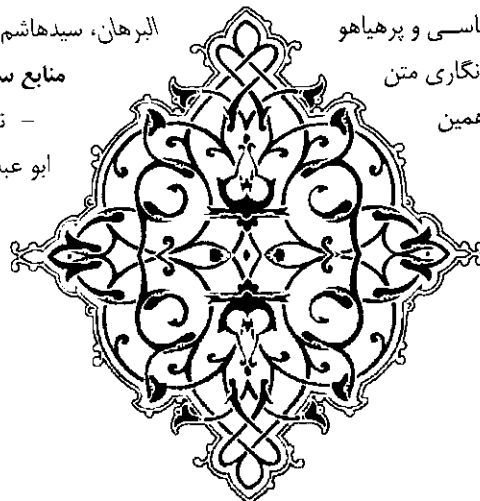
پیشین این اثر را به خوبی ویرایش و آن را برای خواننده، خصوصاً نسل جوان، دلنشین و جذاب کرد.

در واقع مترجم با دخل و تصرف در متن و بسط و تفصیل‌های زاید که از جانب خود در ترجمه وارد کرده، نه تنها گامی در جهت روان‌شدن و گویا شدن ترجمه برنداشته، بلکه به هدف و غرض مؤلف که بیان و ایضاح مشکلات آیات و رفع ابهامات از آنها بوده، صدمه‌ای جدی وارد ساخته است. چه خواننده که می‌توانست با مطالعه توضیح کوتاهی که علامه طبرسی درباره آیه‌ای آورده، به تفسیر و مقصود آن دست یابد، در پیچ و تاب جملات توضیحی، غیرضروری و اغلب بدیهی و خسته‌کننده مترجم گرفتار می‌شود و از مراد اصلی مؤلف باز می‌ماند، به ویژه در مواردی که مترجم توضیحات خود را بر نظر تفسیری مؤلف ترجیح داده و جایگزین آن کرده است.

مسأله ویرایش در این جا خاتمه نمی‌یابد، بلکه به دلیل به کارگیری معادل‌های نامأنوس و خودساخته مترجم برای برخی واژگان عربی که اغلب عیناً در متون فارسی کاربرد دارد، حدت بیشتری یافته و بر مغلط شدن ترجمه افزوده است.^{۱۶} نوع واژگان و اصطلاحات به کار رفته در ترجمه و نیز اضافات مترجم (نظیر عناوینی که متناسب با بحث‌ها افزوده شده) حاوی نوعی بار احساسی و تداعی‌گر خطابه‌ای انقلابی است. گویا مترجم سعی بر القای این فضای احساسی و انقلابی بر مخاطب داشته است. کلماتی چون: تبهکاران، بیدادپیشگان، خودکامگی، اصطلاح ناپذیران، کفرگرایان، بداندیشی، جریان‌های ارتجاعی، قانون‌شکنان، حق‌ناپذیری و ... که به کرات در متن استفاده شده است، فضای متن را بسیار سنگین و پرطمطراق کرده و مطالعه آن را برای خواننده دشوار می‌سازد. این شیوه ترجمه، متن عالمانه

و روشنگرانه تفسیر را به خطابه‌ای احساسی و پرهیاهو فروکاسته است. ظاهراً مراد مترجم از بازنگاری متن و جایگزینی واژه‌های زیباتر و مناسب‌تر همین بوده است.

نگارنده با مقایسه ترجمه پیشین و ترجمه جدید بر این باور است که



را در این مهم صرف کرده، مربوط می‌شود. ترجمه پیشین اثر با امکانات چاپ آن زمان در ۲۷ جلد - البته با کیفیتی نه‌چندان منطبق بر سلیقه‌های خوانندگان کنونی - منتشر شده است که درخور تحسین و شایسته تقدیر است. اما در شرایط کنونی که شاهد رشد چشمگیر امکانات نشر هستیم، انتظارات نیز فزونی یافته است. راقم این سطور امسال در بخش کتب عربی نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران به چاپ‌های تک‌جلدی از کتاب‌هایی برخورد کرد که پیش‌تر در چندین مجلد چاپ شده بودند، به‌گونه‌ای که بازدیدکننده ترغیب می‌شد یک جلد برای کتابخانه شخصی خود تهیه کند. غرض این که وقتی می‌توان با تغییرات ساده‌ای در اندازه و نوع قلم، کتابی با کیفیت بهتری عرضه کرد، چرا باید ترجمه تفسیر مجمع البیان در حجمی سه برابر اصل عربی آن چاپ شود. البته نگارنده از دغدغه‌های مالی ناشران بی‌اطلاع نبوده و چه بسا این نوع کار نتیجه همان نگرانی‌ها باشد، اما از این نکته نیز نباید غافل بود که وقتی خواننده با چنین کتاب حجیمی مواجه می‌شود، ترجیح می‌دهد از آن در یک کتابخانه عمومی استفاده کند تا این که یک دوره از آن برای کتابخانه شخصی‌اش خریداری کند. که هم از پس خرید آن بر نمی‌آید و هم جای مناسبی برای نگهداری آن در منزل ندارد و گرنه کم نیستند کسانی که به دلیل آشنایی اندک با زبان عربی، راغب‌اند یک نسخه فارسی از تفسیری گران‌سنگ و شیعی در منزل داشته باشند که هر از گاهی به آن مراجعه کرده و از آن بهره گیرند.

نکته دیگری که ممکن است برای ناشر جالب توجه باشد، این است که نرم‌افزاری که برای درج متن قرآن در لابه‌لای متون تفسیر استفاده شده و اتفاقاً نگارنده نیز از آن بسیار سود جسته، اشکالاتی هم دارد که عیناً به متن تفسیر منتقل شده و از چشم ناشر به دوره مانده است.^۲ البته باز جای شکرش باقی است که نرم‌افزار مذکور غلط تایپی نداشته که به متن منتشر شده، راه یابد. اما در عوض در سایر جملات عربی که به سلیقه مترجم به همراه ترجمه آورده

روح البیان، اسماعیل حقی برسوی (متوفی ۱۱۲۷ ق): ۱۲ مرتبه - روح المعانی، شهاب‌الدین الوسی (متوفی ۱۲۷۰ ق): ۸ مرتبه - فی ظلال القرآن، سید قطب (متوفی ۱۳۸۶ ق): ۷ مرتبه.

مترجم به منابع دیگری نظیر: الحیاء، تفسیر العیاشی، المیزان، وسایل الشیعه از منابع شیعی و تفسیر المرآفی، تفسیر کشفه تفسیر کبیر فخررازی، تفسیر الطبری، تفسیر الثعلبی، سیره ابن‌هشام، مغازی واقدی، صحیح بخاری و صحیح مسلم از منابع اهل سنت نیز ارجاع داده که تعداد دفعات تکرار آنها کمتر از انگشتان یک دست است.

درحالی که مرحوم طبرسی، تفسیر خود را در سال ۵۳۶ ق. تألیف کرده و به سال ۵۴۸ ق. در گذشته است، چگونه منابعی هم‌چون: نورالثقلین هویزی (متوفی ۱۱۱۲ ق)، تفسیر قرطبی (متوفی ۶۷۱ ق)، الدر المنثور سیوطی (متوفی ۹۱۱ ق) و بحار الأنوار مرحوم مجلسی (متوفی ۱۱۱۱ ق) که بیشترین تعداد ارجاع به آنهاست و همگی پس از طبرسی وفات یافته‌اند، منابع متقدم بر آن محسوب می‌شوند. چنان‌چه مترجم می‌خواست به گفته خویش عمل کند، شایسته بود به تفسیر طبری و تفسیر الثیبان شیخ طوسی مراجعه می‌کرد و متون آنها را با هم تطبیق می‌داد، چه ظاهراً مرحوم طبرسی از تفسیر طبری به نام جامع البیان عن تأویل القرآن بسیار بهره گرفته و از همین رو آن را مجمع البیان لعلوم القرآن نام نهاده که شباهت زیادی با نام تفسیر طبری دارد.^۳ هم‌چنین تفسیر وی بسیار متأثر از الثیبان شیخ طوسی است. چنان‌که خود در مقدمه تفسیرش به آن اشاره کرده و کار خود را، نظم دادن به مطالب الثیبان و تکمیل آن برشمرده است.^۴

نکنه جالب دیگر این است که گاه در ارجاع منابع متقدم نظیر سیره ابن‌هشام و مغازی واقدی در کنار منابع متأخری چون بحار الأنوار ذکر می‌شود که نمی‌توان فهمید مراد مترجم از این کار چه بوده است.^۵

۴- نابسامانی‌هایی در چاپ ترجمه:

آن‌چه گفته شد، مستقیماً به مترجم باز می‌گشت. اما برخی از ایرادها و کاستی‌ها به ناشر که همت خویش

